



Demystifying the Features of Defense Policies: Stability, Resilience, and Robustness

Mohammad Taheryan¹ | Seyed Abbas Ebrahimi² | Jafar Zinatbakhsh³

Abstract

In the contemporary world characterized by increasing complexities, intense dynamics, and profound uncertainties, public policies face unprecedented challenges. This research examines the relationship among three key features “stability,” “resilience,” and “robustness” in defense policies, employing a conceptual review methodology to elucidate these concepts. The findings reveal distinct characteristics and mechanisms for each concept. Stability focuses on maintaining initial conditions and existing frameworks, operating through process standardization and institutional routines. Resilience emphasizes the capacity for adaptation and recovery after shocks, functioning through organizational learning and rapid feedback systems. Robustness concentrates on maintaining performance despite ambiguity and uncertainty, working through multi-layered design and diversity of tools. The research results demonstrate that in today’s complex defense environment, an exclusive focus on stability may impede adaptation to environmental changes, while resilience, with its emphasis on returning to previous states, may not adequately address profound challenges. Conversely, robustness, which focuses on maintaining essential functions while allowing flexibility in methods, may provide a more suitable approach for designing defense policies in current complex and variable conditions. This study contributes to both theoretical understanding and practical application in defense policymaking, offering insights for policymakers facing contemporary security challenges. The findings suggest that successful defense policies require a balanced integration of these features, with particular emphasis on robustness as a key characteristic for addressing modern complexities and uncertainties.

Keywords: Defense Policy, Policy Stability, Policy Resilience, Policy Robustness, Policy Design.

1. PhD Student, Decision Making and Public Policy, Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan, Iran
 2. Corresponding author: Associate Professor, Department of Public Administration, Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan, Iran
 3. PhD Student, Decision Making and Public Policy, Management and Economics, Teacher Training, Tehran, Iran
- DOR: 20.1001.1.20086121.1404.24.107.4.4





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۳۶۴۵



ابهام‌زدایی از ویژگی خط‌مشی‌های دفاعی، ثبات، تاب‌آوری و استحکام

محمد طاهریان^۱ | سید عباس ابراهیمی^۲ | جعفر زینت‌بخش^۳

چکیده

در دنیای معاصر که با پیچیدگی‌های فزاینده، پویایی شدید و عدم قطعیت‌های عمیق مواجه است، خط‌مشی‌های عمومی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو شده‌اند. این پژوهش باهدف بررسی نسبت میان سه ویژگی کلیدی «ثبات»، «تاب‌آوری» و «استحکام» در خط‌مشی‌های دفاعی و تبیین این مفاهیم و با استفاده از روش مرور مفهومی انجام شده است. یافته‌های پژوهش، ویژگی‌ها و سازوکارهای متمایزی را برای هر یک از این مفاهیم آشکار می‌سازد. ثبات بر حفظ شرایط اولیه و چارچوب‌های موجود تمرکز دارد و از طریق استانداردسازی فرآیندها و روال‌های نهادی عمل می‌کند. تاب‌آوری بر ظرفیت سازگاری و بازیابی پس از شوک‌ها تأکید دارد و از طریق یادگیری سازمانی و سیستم‌های بازخورد سریع عمل می‌کند. استحکام بر حفظ عملکرد علی‌رغم ابهام و عدم قطعیت متمرکز است و از طریق طراحی چندلایه و تنوع ابزارها کار می‌کند. نتایج پژوهش آشکار می‌سازد که در محیط پیچیده دفاعی امروز، تمرکز صرف بر ثبات می‌تواند مانع انطباق با تغییرات محیطی شود و تاب‌آوری نیز به دلیل تأکید بر بازگشت به وضعیت قبلی، نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های عمیق باشد. در مقابل، استحکام با تمرکز بر حفظ کارکردهای اساسی در عین انعطاف‌پذیری در روش‌ها، می‌تواند رویکرد مناسب‌تری برای طراحی خط‌مشی‌های دفاعی در شرایط پیچیده و متغیر کنونی باشد.

کلیدواژه‌ها: خط‌مشی دفاعی، ثبات خط‌مشی، تاب‌آوری خط‌مشی، استحکام خط‌مشی، طراحی

خط‌مشی

۱. دانشجوی دکتری، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، سمنان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مدیریت دولتی، اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، سمنان، ایران. Abbasian_m@iamu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، مدیریت و اقتصاد، تربیت مدرس، تهران، ایران.

DOR: 20.1001.1.20086121.1404.24.107.4.4



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

در دنیای معاصر که با پیچیدگی‌های فزاینده و عدم قطعیت‌های گسترده مواجه است، خط‌مشی‌های عمومی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو شده‌اند (ورکمن^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). این چالش‌ها که در حوزه خط‌مشی‌گذاری دفاعی از تهدیدات نوظهور تا تحولات سریع فناوریانه و تغییرات ژئوپلیتیک را در بر می‌گیرند، نیازمند رویکردهای نوینی در طراحی و اجرای خط‌مشی‌های دفاعی^۲ هستند (دیویس^۳، ۲۰۰۶؛ هاوالت و رامش^۴، ۲۰۲۳). در این میان، سه مفهوم کلیدی «استحکام»^۵، «تاب‌آوری»^۶ و «ثبات»^۷ به‌عنوان ویژگی‌های مهم خط‌مشی‌های اثربخش، مطرح شده‌اند (آندریس^۸ و همکاران، ۲۰۱۳).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که پیچیدگی‌های محیطی، تغییرات سریع فناوریانه و تحولات اجتماعی-اقتصادی، رویکردهای سنتی خط‌مشی‌گذاری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است (میگون^۹ و همکاران، ۲۰۲۴؛ مبارک^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۴). به‌ویژه تجربه بحران‌های اخیر مانند جنگ‌های فراگیر، تهدیدات تروریستی و نبردهای چندوجهی، نشان داد که خط‌مشی‌های عمومی در حوزه‌های نظامی و امنیتی، نیازمند ویژگی‌هایی فراتر از کارایی صرف هستند (ناگارد و تریانتافیلو^{۱۱}، ۲۰۲۴). در این راستا، تمرکز ویژگی تاب‌آوری بر ظرفیت سازگاری و بازیابی است (نایر^{۱۲} و هاوالت، ۲۰۱۶) و بیشتر بر بازگشت به حالت اولیه پس از یک شوک تأکید می‌کند (آندریس و همکاران، ۲۰۱۳)؛ ثبات به حفظ حالت اولیه خط‌مشی در طول زمان اشاره می‌کند (مورتسن^{۱۳}، ۲۰۰۷) و استحکام به توانایی خط‌مشی برای حفظ عملکرد در برابر عدم قطعیت‌ها و چالش‌های پیچیده می‌پردازد و تأکید دارد که خط‌مشی‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند

-
- 1 Workman
 - 2 Defense Policies
 - 3 Davis
 - 4 Howlett & Ramesh
 - 5 Robustness
 - 6 Resilience
 - 7 Stability
 - 8 Anderies
 - 9 Migone
 - 10 Mubarik
 - 11 Knaggård & Triantafillou
 - 12 Nair
 - 13 Mortensen

که بتوانند به‌طور مؤثر با تغییرات غیرمنتظره و شرایط متغیر محیطی و اجتماعی سازگار شوند (سورسن دیولف^۱ و دیگران، ۲۰۱۸؛ تورفینگ^۲، ۲۰۲۴).

علی‌رغم اهمیت روزافزون این مفاهیم، شکاف‌های نظری قابل توجهی در درک روابط متقابل و تعاملات پیچیده میان آن‌ها وجود دارد (دیولف و بیزبروک^۳، ۲۰۱۸). برخی پژوهشگران معتقدند این مفاهیم می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند (پیترز^۴ و دیگران، ۲۰۱۸)، درحالی‌که برخی دیگر بر واگرایی این ویژگی‌ها تأکید دارند (استین و تویست^۵، ۲۰۱۸). این اختلاف‌نظرها ضرورت مطالعه عمیق‌تر روابط میان این مفاهیم را آشکار می‌سازد.

تجربیات اخیر خط‌مشی‌گذاری عمومی در حوزه‌های محیط‌زیست، اقتصاد، همه‌گیری‌های جهانی و به‌ویژه خط‌مشی‌های دفاعی و امنیتی، نشان می‌دهد که درک تمایز و تقابل‌های میان این سه ویژگی از اهمیت شایانی برخوردار است (نایر و دیگران، ۲۰۱۷؛ ورکمن و دیگران، ۲۰۲۴). به‌عنوان مثال، در مواجهه با تهدیدات نوظهور، خط‌مشی‌گذاران باید بین انتخاب رویکردهای مبتنی بر استحکام و تاب‌آوری (که امکان سازگاری با شرایط متغیر محیطی را فراهم می‌کنند) یا رویکردهای مبتنی بر ثبات (که بر حفظ وضع موجود تأکید دارند) دست به انتخاب بزنند. این تقابل ذاتی میان ویژگی‌های مذکور، یکی از چالش‌های اساسی در طراحی خط‌مشی‌های دفاعی به‌شمار می‌رود (کاستریخون-کامپوس^۶ و دیگران، ۲۰۲۰).

مطالعات اخیر در حوزه طراحی خط‌مشی نشان می‌دهند که تعامل این سه ویژگی می‌تواند پیچیده‌تر از آن چیزی باشد که در ابتدا به نظر می‌رسد (سورین و دیگران، ۲۰۲۳). به‌عنوان مثال، تلاش برای افزایش استحکام خط‌مشی‌های دفاعی ممکن است در برخی موارد به کاهش تاب‌آوری این خط‌مشی‌ها منجر شود، یا تمرکز بیش‌ازحد بر ثبات می‌تواند توانایی سازگاری خط‌مشی‌های دفاعی در مقام یک سیستم را محدود کند (موکرجی^۷ و دیگران، ۲۰۲۱). این

1 Sørensen, Dewulf

2 Torfing

3 Dewulf & Biesbroek

4 Peters

5 Steen & Twist

6 Castrejon-Campos

7 Mukherjee

چالش‌ها به‌ویژه در شرایط پیچیدگی، پویایی و عدم قطعیت عمیق، که مشخصه بسیاری از مسائل معاصر است، اهمیت بیشتری می‌یابند (واکر^۱ و دیگران، ۲۰۱۳).

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار به‌طور نظام‌مند به بررسی نسبت میان استحکام، تاب‌آوری و ثبات در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌پردازد. درحالی‌که مطالعات پیشین عمدتاً بر یکی از این ویژگی‌ها تمرکز داشته‌اند (بوتنر^۲ و دیگران، ۲۰۱۰)، این پژوهش با رویکردی جامع‌نگر، به دنبال درک عمیق‌تر ارتباط حاکم بر این سه مفهوم است.

بر این اساس، پرسش‌های اصلی پژوهش این است که، مفهوم دقیق هر یک از ویژگی‌های استحکام، تاب‌آوری و ثبات در حوزه خط‌مشی‌گذاری دفاعی چیست و این مفاهیم چه نسبتی با یکدیگر دارند و آیا اساساً باهم قابل جمع هستند؟

مبانی نظری

۱- خط‌مشی‌های دفاعی

خط‌مشی دفاعی مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات هدفمند است که توسط نهادهای حاکمیتی برای تأمین امنیت ملی و حفاظت از منافع حیاتی کشور اتخاذ می‌شود. نیل و همکاران، خط‌مشی دفاعی را به‌عنوان چارچوبی جامع برای هماهنگ‌سازی اهداف سیاسی با قابلیت‌های نظامی تعریف می‌کنند (نیل^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). تاگارف معتقد است خط‌مشی‌های دفاعی در بالاترین سطح اولویت‌های ملی قرار دارند، زیرا مستقیماً با بقا و امنیت کشور مرتبط هستند (تاگارف، ۲۰۰۶). استولبرگ نیز تأکید می‌کند که خط‌مشی‌های دفاعی به دلیل ماهیت راهبردی خود، نقش محوری در شکل‌دهی به سایر خط‌مشی‌های عمومی دارند (استولبرگ، ۲۰۱۲). لذا خط‌مشی‌های دفاعی یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به قدرت ملی و تأمین منافع استراتژیک دارد. تاگارف (۲۰۰۶) در مطالعه خود بر اهمیت توازن بین نیازهای داخلی و تعهدات بین‌المللی در شکل‌دهی به سیاست دفاعی تأکید می‌کند و آن را «هنر شکل‌دهی به سیاست دفاعی» می‌نامد.

1 Walker
2 Bothner
3 Neill
4 Tagarev
5 Stolberg

استولبرگ در بررسی خود از سیاست‌گذاری امنیت ملی در قرن ۲۱، بر اهمیت رویکرد یکپارچه در مواجهه با تهدیدات نوظهور تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه پیچیدگی‌های محیط امنیتی معاصر، نیازمند بازنگری در رویکردهای سنتی سیاست‌گذاری دفاعی است (استولبرگ، ۲۰۱۲).

دیویس با بررسی برنامه‌ریزی راهبردی در خط‌مشی‌های دفاعی، نشان می‌دهد که سیستم‌های دفاعی به‌عنوان «سیستم‌های پیچیده تطبیقی»^۱ عمل می‌کنند و نیازمند رویکردهای انعطاف‌پذیر در برنامه‌ریزی هستند. این پیچیدگی زمانی بیشتر می‌شود که با محدودیت منابع و تغییرات سریع محیطی مواجه باشیم (دیویس، ۲۰۰۶). در همین رابطه برایانت^۲ و همکاران (۲۰۱۱) بر اهمیت برنامه‌ریزی مأموریت‌محور در عملیات نظامی تأکید کرده و انعطاف‌پذیری در محیط‌های نامطمئن را ضروری می‌دانند. نیل و همکاران (۲۰۱۷) نیز چارچوب جامعی برای درک سیاست و استراتژی دفاعی ارائه داده‌اند که بر تعامل بین اهداف سیاسی و قابلیت‌های نظامی تأکید دارد.

فارل در پژوهش خود سه عامل اصلی تغییر در حوزه نظامی را شناسایی کرده‌اند: فرهنگ، سیاست و فناوری. این عوامل در تعامل با یکدیگر، مسیر تحول خط‌مشی‌های دفاعی را شکل می‌دهند (فارل^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). در همین راستا، اکبرنژاد در مطالعه خود در ایران، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست دفاعی-امنیتی را اولویت‌بندی کرده و نشان داده‌اند که عوامل ژئوپلیتیک و تهدیدات منطقه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری این سیاست‌ها دارند (اکبرنژاد و همکاران، ۲۰۲۰).

لمپرت و همکاران، چارچوبی را برای تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت ارائه می‌دهند که می‌تواند در برنامه‌ریزی منابع دفاعی مورد استفاده قرار گیرد. آن‌ها تأکید می‌کنند که استراتژی‌های دفاعی باید قابلیت تطبیق با سناریوهای مختلف را داشته باشند (لمپرت و همکاران، ۲۰۱۶). در مقام عمل نیز هاوالت و همکارانش با مطالعه موردی فرآیند خرید جنگنده F-35 در کانادا و استرالیا، پیچیدگی‌های سیاسی در تصمیمات تدارکات نظامی را تحلیل کرده‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند که چگونه عوامل سیاسی داخلی و فشارهای بین‌المللی می‌توانند بر تصمیمات خرید تجهیزات نظامی تأثیر بگذارند (هاوالت و همکاران، ۲۰۲۳).

1 Complex Adaptive Systems (CAS)

2 Bryant

3 Farrell

4Lempert

قانعی و دانایی فرد، در پژوهش خود عوامل موفقیت خط‌مشی‌های دفاعی در ایران را بررسی کرده و نشان داده‌اند که انسجام سیاسی، حمایت رهبری و ظرفیت‌های فنی-علمی از عوامل کلیدی موفقیت بوده‌اند (قانع و همکاران، ۲۰۲۰). شهر آیینی و باجلانی نیز در مطالعه خود به بررسی ویژگی‌های سیاست‌گذاری مطلوب دفاعی در ایران پرداخته و چارچوبی برای ارزیابی کیفیت خط‌مشی‌های دفاعی ارائه کرده‌اند (شهر آیینی و همکاران، ۲۰۲۳). در حوزه ارزشیابی خط‌مشی‌های دفاعی نیز زهدی‌نسب و همکاران در پژوهش خود الگویی برای ارزیابی تحقق سیاست‌های دفاعی ارائه کرده‌اند که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای سنجش اثربخشی خط‌مشی‌های دفاعی مورد استفاده قرار گیرد. این الگو شامل شاخص‌های کمی و کیفی است که می‌تواند به ارزیابی جامع سیاست‌های دفاعی کمک کند (زهدی‌نسب و همکاران، ۲۰۲۲).

مرور ادبیات نشان می‌دهد که موفقیت در خط‌مشی‌های دفاعی نیازمند درک عمیق از محیط داخلی و بین‌المللی، توجه به عوامل فرهنگی، سیاسی، فناورانه و اتخاذ رویکردهای انعطاف‌پذیر در برنامه‌ریزی است. همچنین اهمیت ارزیابی مستمر و تطبیق سیاست‌ها با شرایط متغیر محیطی غیرقابل‌انکار است. این یافته‌ها می‌تواند راهنمای عمل خط‌مشی‌گذاران در طراحی و اجرای خط‌مشی‌های دفاعی کارآمد و اثربخش باشد.

۲- ثبات خط‌مشی

در ادبیات خط‌مشی‌گذاری، مفهوم ثبات به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کلاسیک مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (پیترز و همکاران، ۲۰۱۸). این مفهوم که به تمایل سیستم‌های دفاعی برای حفظ وضع موجود اشاره دارد، در طول دهه‌های گذشته از منظرهای مختلف مورد بررسی و نقد قرار گرفته است (هاولت و کاشور، ۲۰۰۹).

مطالعات نشان می‌دهند که ثبات خط‌مشی می‌تواند به دو شکل متفاوت «ثبات ساختاری» و «ثبات کارکردی» تجلی یابد (ویلسون، ۲۰۱۹). ثبات ساختاری به حفظ چارچوب‌ها و سازوکارهای موجود در نیروهای مسلح اشاره دارد، درحالی‌که ثبات کارکردی بر تداوم عملکردها و خروجی‌های سیستم دفاعی تمرکز می‌کند (فارل و تریف، ۲۰۰۲؛ می و

1 Cashore

2 Wilson

3 Farrell & Terriff

یوچیم^۱، ۲۰۱۳) این تمایز از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند به درک بهتر پیامدهای مثبت و منفی ثبات در خط‌مشی‌گذاری کمک کند.

مورتسن^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه طولی خود درباره پویایی زیرسیستم‌های خط‌مشی نشان می‌دهد که ثبات در خط‌مشی عمومی پدیده‌ای چندوجهی است که می‌تواند هم به عنوان یک دارایی و هم به عنوان یک مانع عمل کند. این مفهوم که به گرایش سیستم‌های سیاسی برای حفظ وضع موجود اشاره دارد، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است (پیترز و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از چالش‌های اساسی در مطالعه ثبات خط‌مشی، تمایز آن از مفهوم استحکام است. درحالی که هر دو مفهوم به نوعی با مقاومت در برابر تغییر مرتبط هستند، تفاوت‌های مهمی میان آن‌ها وجود دارد (کاپانو و وو^۳، ۲۰۱۷). استحکام بر حفظ کارکردهای اساسی در عین انعطاف‌پذیری ساختاری تأکید دارد، اما ثبات می‌تواند به حفظ ساختارها حتی به قیمت کاهش اثربخشی منجر شود (دویت و گالاز^۴، ۲۰۰۸).

مطالعات تجربی متعددی پیامدهای منفی ثبات بیش‌ازحد در خط‌مشی‌های عمومی را نشان داده‌اند. برای مثال، تحقیقات در حوزه نظام‌های آموزشی نشان می‌دهد که ثبات بیش‌ازحد می‌تواند مانع نوآوری‌های ضروری و انطباق با نیازهای جدید شود (تامپسون و جونز^۵، ۲۰۲۲). همچنین، مطالعات در حوزه اصلاحات اداری کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که ثبات ساختاری می‌تواند به تداوم ناکارآمدی‌ها و مقاومت در برابر تغییرات ضروری منجر شود (کیم و لی^۶، ۲۰۲۱).

با این حال، برخی پژوهشگران استدلال می‌کنند که درجه معینی از ثبات برای عملکرد موفق سیستم‌های خط‌مشی ضروری است (باومگارتنر و جونز^۶، ۲۰۲۰). این دیدگاه بر اهمیت توازن میان ثبات و انعطاف‌پذیری تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که خط‌مشی‌گذاران باید به دنبال «ثبات پویا»

1 May & Jochim

2 Capano & Woo

3 Duit & Galaz

4 Thompson & Jones

5 Kim & Lee

6 Baumgartner & Jones

باشند رویکردی که در آن ثبات در اهداف اساسی با انعطاف‌پذیری در روش‌های اجرا ترکیب می‌شود (اشمیت ۱ و سورین، ۲۰۲۳).

تجربیات بین‌المللی در زمینه اصلاحات بخش عمومی نشان می‌دهد که چالش اصلی در مدیریت ثبات خط‌مشی، یافتن نقطه تعادل مناسب میان حفظ ثبات و ایجاد تغییرات ضروری است (جردن و مت ۲، ۲۰۱۴). برای مثال، مطالعات موردی در حوزه سیاست‌های رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که کشورهای اسکاندیناوی توانسته‌اند با حفظ اصول بنیادین نظام رفاهی خود، اصلاحات تدریجی را برای انطباق با شرایط جدید اجتماعی-اقتصادی اجرا کنند (لیندوال و روتشتاین ۳، ۲۰۲۱).

میگون و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش اخیر خود، با معرفی مفهوم «ثبات پارادایمی»، بُعد جدیدی به درک ما از ثبات خط‌مشی افزوده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که ثبات در سطح ایده‌های خط‌مشی می‌تواند به پایداری خط‌مشی‌ها کمک کند، اما این امر لزوماً به معنای مقاومت در برابر تغییر نیست. این تمایز مهم کمک می‌کند تا درک کنیم چگونه برخی خط‌مشی‌ها می‌توانند در عین حفظ اصول بنیادین خود، با شرایط متغیر سازگار شوند.

یکی دیگر از ابعاد مهم در مطالعه ثبات خط‌مشی، تأثیر آن بر نوآوری و یادگیری سازمانی است. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که ثبات بیش‌ازحد می‌تواند به ایجاد «قفل‌شدگی مسیر» منجر شود که در آن سازمان‌ها توانایی خود را برای یادگیری و نوآوری از دست می‌دهند (مارس و اولسن ۴، ۲۰۲۰). این پدیده به‌ویژه در بخش‌های سنتی مانند آموزش، بهداشت و خدمات عمومی مشهود است.

۳- تاب‌آوری خط‌مشی

واژه تاب‌آوری که از کلمات لاتین «resiliere» یا «resilio» به معنای «بازگشت» یا «جهش مجدد» گرفته شده، امروزه به یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات خط‌مشی عمومی تبدیل شده

1 Schmidt

2 Jordan & Matt

3 Lindvall & Rothstein

4 paradigmatic stability

5 path lock-in

6 March & Olsen

است (الکساندر^۱، ۲۰۱۳). این مفهوم که ابتدا در علوم اکولوژیک مطرح شد، به توانایی سیستم در بازیابی و حفظ عملکردهای اساسی پس از مواجهه با شوک‌ها و اختلالات اشاره دارد (بلند^۲، ۲۰۲۰).

مفهوم تاب‌آوری در حوزه‌های مختلف علمی از جمله بوم‌شناسی، مهندسی و مدیریت بحران توسعه یافته است (هولینگ^۳، ۱۹۷۳؛ مانینا و همکاران، ۲۰۱۱). در این حوزه‌ها، تمرکز اصلی بر وجود یک نقطه تعادل پایدار است که سیستم‌ها پس از مواجهه با شوک خارجی به آن بازمی‌گردند (داوودی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱؛ باند^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). اندریس و همکاران (۲۰۱۳) با مطالعه خط‌مشی‌های تغییرات اقلیمی نشان می‌دهند که تاب‌آوری می‌تواند به عنوان یک ویژگی سیستمی درک شود که به خط‌مشی‌ها اجازه می‌دهد پس از مواجهه با شوک‌های محیطی، عملکردهای اساسی خود را بازیابی کنند. این دیدگاه سیستمی به درک بهتر پویایی‌های تاب‌آوری در محیط‌های پیچیده کمک می‌کند.

هاولت در پژوهش خود درباره ابعاد زمانی طراحی خط‌مشی، استدلال می‌کند که تاب‌آوری نیازمند توجه به افق‌های زمانی مختلف است. او نشان می‌دهد که خط‌مشی‌های تاب‌آور باید قادر به پاسخگویی به چالش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت باشند و درعین حال، ظرفیت یادگیری از تجربیات گذشته را حفظ کنند (هاولت، ۲۰۱۹). بر همین اساس نایر و هاولت در مطالعه خود درباره تاب‌آوری خط‌مشی، چارچوبی مفهومی برای درک بهتر این ویژگی ارائه می‌دهند. آن‌ها استدلال می‌کنند که تاب‌آوری در خط‌مشی عمومی باید در سه سطح مورد توجه قرار گیرد: سطح عملیاتی (توانایی مقابله با اختلالات روزمره)، سطح تاکتیکی (ظرفیت مدیریت بحران‌های میان‌مدت)، و سطح استراتژیک (قابلیت سازگاری با تغییرات بلندمدت) (نایر و هاولت، ۲۰۱۶).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که تاب‌آوری در خط‌مشی عمومی دارای ابعاد متعددی است. فیندت^۵ و همکاران (۲۰۲۰) سه بُعد اصلی را شناسایی کرده‌اند که شامل تاب‌آوری ساختاری (که به توانایی حفظ ساختارهای اساسی اشاره دارد)، تاب‌آوری کارکردی (که بر تداوم عملکردهای

1 Alexander

2 Béland

3 Davoudi

4 Bond

5 Feindt

حیاتی تمرکز می‌کند) و تاب‌آوری تطبیقی (که به ظرفیت یادگیری و سازگاری مربوط می‌شود) است.

همچنین در خصوص مکانیسم عمل تاب‌آوری در خط‌مشی‌گذاری عمومی، برگمن^۱ و همکاران (۲۰۲۲) چهار مکانیسم اصلی را شناسایی کرده‌اند که عبارت‌اند از؛ تنوع پاسخ‌ها (به معنای توانایی سیستم در ارائه راه‌حل‌های متنوع برای مقابله با چالش‌ها)، افزونگی کارکردی (به معنای وجود سیستم‌های پشتیبان برای عملکردهای حیاتی)، بازخورد سریع (به معنای توانایی شناسایی و واکنش به تغییرات محیطی و یادگیری سازمانی (به معنی ظرفیت انباشت و استفاده از تجربیات گذشته)).

باین‌حال، کاربرد تاب‌آوری در خط‌مشی عمومی با چالش‌های جدی روبرو است. دیویدسون^۲ و همکاران (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که تفاوت‌های بین سیستم‌های بوم‌شناختی و اجتماعی، کاربرد مستقیم مفهوم تاب‌آوری در سیاست‌گذاری را با محدودیت مواجه می‌کند. به‌عنوان مثال، حضور عامل انسانی در سیستم‌های اجتماعی، تاب‌آوری را از طریق تعویق عمده اثرات اختلالات، توزیع نامتناسب قدرت و منافع، و توانایی پیش‌بینی و مشارکت در اقدام جمعی تحت تأثیر قرار می‌دهد و کوت و نایتینگل^۳ (۲۰۱۲) هشدار می‌دهند که هستی‌شناسی سیستمیک تاب‌آوری، سه ویژگی اساسی سیستم‌های اجتماعی یعنی قدرت، دانش، و عاملیت را نادیده می‌گیرد. مک‌کینون و دریکسون^۴ (۲۰۱۳) نیز نگران هستند که تلاش برای ایجاد تاب‌آوری ممکن است به بازتولید روابط اجتماعی و فضایی نابرابر منجر شود.

مثالی واقعی از چالش‌های تاب‌آوری خط‌مشی‌های عمومی، بحران مالی ۲۰۰۸ است که نشان می‌دهد چگونه شوک‌های خارجی می‌توانند اثرات غیرقابل‌بازگشت یا طولانی‌مدت بر سیاست‌ها داشته باشند. این تجربه نشان می‌دهد که بازگشت به تعادل قبلی همیشه مطلوب یا امکان‌پذیر نیست و گاهی سیستم نیازمند تغییر و تحول اساسی است. ولی از سوی دیگر تجربه قانون مراقبت مقرون‌به‌صرفه^۵ در ایالات‌متحده نمونه‌ای آموزنده از تاب‌آوری خط‌مشی است. بلند و همکاران

1 Bergman

2 Davidson

3 Cote & Nightingale

4MacKinnon & Derickson

5 Affordable Care Act – ACA (Obamacare)

(۲۰۲۰) نشان می‌دهند که چگونه این قانون که در سال ۲۰۱۰ باهدف گسترش دسترسی به بیمه سلامت از طریق ایجاد بازارهای بیمه و ارائه یارانه به افراد کم‌درآمد در ایالات متحده تصویب شد، علی‌رغم مخالفت‌های سیاسی گسترده و چالش‌های اجرایی متعدد، به دلیل طراحی انعطاف‌پذیر و چندلایه خود توانست دوام بیاورد و به‌عنوان نمونه‌ای از تاب‌آوری خط‌مشی شناخته می‌شود. این موفقیت را می‌توان به طراحی چندلایه و انعطاف‌پذیر خط‌مشی نسبت داد که امکان سازگاری با شرایط متغیر را فراهم می‌کرد.

یکی از چالش‌های مهم در طراحی خط‌مشی‌های تاب‌آور، تشخیص سطح مناسب تاب‌آوری است. کاپانو و وو (۲۰۱۷) هشدار می‌دهند که تاب‌آوری بیش‌ازحد می‌تواند به محافظه‌کاری افراطی و مقاومت در برابر تغییرات ضروری منجر شود. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که طراحان خط‌مشی باید به دنبال «تاب‌آوری هوشمند» باشند. رویکردی که در آن توانایی بازیابی با ظرفیت یادگیری و سازگاری ترکیب می‌شود. آن‌ها همچنین چارچوبی برای ارزیابی تاب‌آوری خط‌مشی ارائه می‌دهند که شامل شاخص‌های سرعت بازیابی پس از شوک، میزان حفظ عملکردهای اصلی، هزینه‌های بازیابی، ظرفیت یادگیری سیستمی و انعطاف‌پذیری ساختاری است.

درمجموع مرور ادبیات نظری تاب‌آوری در خط‌مشی عمومی نشان می‌دهد که این مفهوم علی‌رغم کاربرد گسترده، با چالش‌های مفهومی و عملی متعددی روبروست. همان‌طور که دویت و همکاران (۲۰۱۰) اشاره می‌کنند، انتقال مفهوم تاب‌آوری از علوم طبیعی به حوزه خط‌مشی عمومی نیازمند توجه به تفاوت‌های بنیادین بین سیستم‌های طبیعی و اجتماعی است. بااین‌حال، همان‌طور که تجربه قانون مراقبت مقرون‌به‌صرفه نشان می‌دهد، طراحی خط‌مشی‌های تاب‌آور امکان‌پذیر است، مشروط بر آنکه ابعاد مختلف تاب‌آوری (ساختاری، کارکردی و تطبیقی) در نظر گرفته شود، به سطوح مختلف (عملیاتی، تاکتیکی و استراتژیک) توجه شود، مکانیسم‌های چندگانه تاب‌آوری (تنوع پاسخ‌ها، افزونگی کارکردی، بازخورد سریع و یادگیری سازمانی) به کار گرفته شود و محدودیت‌های ذاتی رویکرد تاب‌آوری شناخته و مدیریت شود.

۴- استحکام خط‌مشی

مفهوم استحکام از واژه لاتین «Robustus» بامعنای «قوی» و «محکم» نشأت می‌گیرد و در گذشته برای توصیف درختان بلوط استفاده می‌شده است (کاستریخون-کامپوس و

دیگران، ۲۰۲۰). از آن زمان، این اصطلاح به تدریج در علوم مختلف از جمله زیست‌شناسی، مهندسی، اقتصاد، علوم کامپیوتری و به‌ویژه خط‌مشی‌گذاری به کار گرفته شده و گسترش یافته است (آنسل ۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

در علوم سیاسی و مطالعات حقوقی، استحکام به‌عنوان ویژگی‌ای معرفی می‌شود که به سیستم‌های سیاسی این امکان را می‌دهد که به اهداف اصلی مشخص شده در قانون (حتی تحت شرایط نامساعد) دست یابند (سورنسون و آنسل، ۲۰۲۱).

به‌طور کلی، خواه در زمینه‌های علمی طبیعی و خواه اجتماعی، استحکام به معنای امکان مقاومت یا استمرار در برابر شوک‌های خارجی و پایداری در برابر عدم قطعیت‌ها تعریف می‌شود (بنکس ۲، ۲۰۱۶). به‌طور خاص‌تر، استحکام به‌عنوان «توانایی یک سیستم برای تحمل اختلالات در ساختار بدون تغییر در عملکرد» توصیف می‌شود (کاپانو و وو، ۲۰۱۷؛ مک‌گی و جونز ۳، ۲۰۱۹).

مفهوم استحکام به تدریج از حوزه‌های علمی مختلف، به‌ویژه علوم مهندسی و طراحی سیستم‌ها، وارد زمینه خط‌مشی‌گذاری عمومی شده و به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم در مطالعات خط‌مشی استفاده می‌شود. این مفهوم نه تنها به حفظ ثبات در تصمیمات و سیاست‌ها، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های فزاینده‌ای که محیط‌های سیاسی و اجتماعی با آن روبرو هستند، اشاره دارد (کاپانو و دیگران، ۲۰۱۷؛ دیولف و دیگران، ۲۰۱۸).

افزایش چالش‌های جهانی، از جمله بحران‌های مالی، تغییرات اقلیمی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر، سبب گردیده که ویژگی استحکام این امکان را به خط‌مشی‌ها بدهد که در برابر اختلالات و چالش‌ها مقاومت کنند و با انعطاف‌پذیری به تطابق با شرایط جدید بپردازند. در این راستا، استحکام خط‌مشی به‌عنوان رویکردی جامع در طراحی و ارزیابی سیاست‌ها معرفی می‌شود که تأکید زیادی بر توانایی حفظ عملکرد و هدف‌ها در مواجهه با موقعیت‌های کنش‌پذیر دارد.

در بحث استحکام خط‌مشی، پژوهشگران و محققان مختلف تلاش کرده‌اند تا زوایای گوناگونی از این مفهوم را تبیین نمایند. والکر و همکاران (۲۰۱۳) استحکام را به‌عنوان تأثیرگذاری

1 Ansell

2 Bankes

3 McGee & Jones

و کارایی یک خط‌مشی در حفظ عملکرد خود به واسطه مواجهه با شرایط پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی تعریف می‌کنند. این تعریف سیستمی تأکید می‌کند که یک خط‌مشی مستحکم نه تنها باید به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خود برسد، بلکه می‌بایست توانایی انطباق با چالش‌های ناشی از تغییرات آینده را نیز داشته باشد. این نیاز به انطباق، نشان‌دهنده یک نوع قابلیت انعطاف‌پذیری است که در طراحی خط‌مشی‌های مؤثر ضروری است.

از سوی دیگر، ون در استین^۱ و همکاران (۲۰۱۸) نیز استحکام را به معنای توانایی یک سیستم یا طرح برای حفظ کارایی و اثرگذاری خود در برابر تغییرات ناگهانی و عدم قطعیت‌ها معرفی کرده‌اند. این تعریف نشانگر این است که استحکام در خط‌مشی‌گذاری محدود به واکنش‌های کوتاه‌مدت به بحران‌ها نیست؛ بلکه باید به عنوان چارچوبی جامع و استراتژیک برای مدیریت عدم قطعیت‌های طولانی‌مدت قلمداد گردد. در این حالت، استحکام به عنوان عاملی در اتصال میان اهداف و عملکردها در یک فرآیند پویا عمل می‌کند.

ابعاد استحکام خط‌مشی می‌تواند به شکل‌های متعدد و گوناگون تبیین گردد. به عنوان مثال، چندوجهی بودن یکی از ابعاد کلیدی استحکام است که به این مفهوم اشاره دارد که یک خط‌مشی باید بتواند به چندین هدف مختلف هم‌زمان پاسخ دهد. این ویژگی، به خصوص وقتی که اهداف تحت تأثیر فشارها و چالش‌های جدید قرار می‌گیرند، بسیار حائز اهمیت است. با توجه به مطالعات، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که استحکام نه تنها به خاطر توانایی در حفظ عملکرد، بلکه به دلیل قابلیت در انطباق با شرایط متغیر مستقل از تغییر در اهداف خط‌مشی، بسیار مهم است (هاولت و همکاران، ۲۰۱۸).

در واقع، استحکام به عنوان عملکرد یکنواخت و پایدار در فرآیند خط‌مشی‌گذاری تعریف می‌شود. این موضوع می‌تواند تأثیر بسزایی بر نحوه تصمیم‌گیری در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی داشته باشد. در شرایطی که عوامل بیرونی به طور مداوم در حال تغییر هستند، بروز ناپایداری و عدم قطعیت می‌تواند منجر به عقب‌نشینی از اهداف اصلی و کلیدی شود. لذا، خط‌مشی‌ها باید در طراحی و اجرا به گونه‌ای صورت گیرند که از تنوع و مدولار بودن برخوردار باشند.

¹ Van Der Steen

با گذر زمان، مفهوم‌پردازی استحکام خط‌مشی به تحولات عمده‌ای دچار شده است (کلیف^۱، ۲۰۲۴) و این امر نشان‌دهنده پویایی و تکامل مستمر این مفهوم در پاسخ به چالش‌های جدید است. یکی از تحولات کلیدی، ظهور رویکرد ایده‌محور به ویژگی استحکام است. بلاند و همکاران (۲۰۲۴) به وضوح تأکید می‌کنند که استحکام باید به عنوان نتیجه‌ای از بلوغ و انسجام ایده‌ها در نظر گرفته شود. آن‌ها بیان می‌کنند که استحکام به وسیله استراتژی‌های موفقیت‌آمیز در چارچوب‌بندی و تکرار استفاده از ایده‌ها به دست می‌آید؛ به عبارتی دیگر، ایده‌ها به طرز تدریجی و مداوم تقویت و توسعه می‌یابند.

کارستنسن و اشمیدز^۲ (۲۰۲۴) با تمرکز بر استحکام ایده‌ها به طور خاص به مفهوم‌پردازی جدیدی پرداخته‌اند که این مفهوم را به عنوان یک فرآیند تدریجی، گاهی رادیکال، در بازتعریف و بازآرایی ایده‌ها معرفی می‌کند. این فرآیند می‌تواند موجب تقویت موقعیت ایده‌ها به عنوان نقاط مرجع در گفت‌وگوهای سیاستی گردد و در نتیجه، توجه پژوهشگران را به ابعاد جدیدی در مطالعات خط‌مشی‌های عمومی جلب کند.

تجربیات عملی و مطالعات موردی نشان‌دهنده ارزش بالای مفهوم استحکام در عمل هستند. به عنوان مثال، در پژوهش لای^۳ (۲۰۱۸) که به مدیریت بحران‌های بهداشتی در کشورهای آسیای شرقی پرداخته است، به وضوح نشان داده شده است که چابکی سیاستی می‌تواند به استحکام سیستم‌های سلامت عمومی کمک کند. این مطالعه با تأکید بر تجربیات واقعی در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر، اهمیت طراحی سیستم‌های مستحکم و قابل انعطاف در عرصه بهداشت و سلامت را به خوبی روشن می‌کند.

از سوی دیگر، پژوهش‌های کلیف (۲۰۲۴) در حوزه سیاست‌های مالی بین‌المللی و همچنین مطالعات ورکمن و همکاران (۲۰۲۱) در زمینه سیاست‌های تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که استحکام یک ویژگی قابل شناسایی و ارزیابی در سیستم‌های خط‌مشی است. این مطالعات تجربی بیانگر آن هستند که استحکام می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای کلیدی موفقیت خط‌مشی‌ها در

1 Clift

2 Carstensen & Schmidt

3 Lai

نظر گرفته شود و توانایی آن‌ها برای پاسخ‌گویی به تغییرات اقتصادی و اجتماعی را نمایش دهد (آنسل ۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

به منظور ارزیابی استحکام خط‌مشی، مدل‌های متعددی طراحی شده‌اند. به عنوان مثال، مدلی که توسط هاوالت و همکاران (۲۰۱۸) ارائه شده، بر روی اجزای اصلی مانند نهادهای کاربران، تنوع در ابزارهای سیاستی و انعطاف‌پذیری در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأکید دارد. این رویکرد می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف در طراحی و اجرای سیاست‌ها کمک کند.

در رابطه با چالش‌ها و فرصت‌ها در این زمینه، سورنسون و همکاران (۲۰۲۴) بر روی بوروکراسی به عنوان یک ساختار مستحکم تأکید می‌کنند و شش استراتژی اساسی را شناسایی می‌کنند که بوروکراسی می‌تواند به منظور حفظ و تقویت موقعیت خود از آن‌ها استفاده کند. این پژوهش، تنوع ایده‌ها و معانی را در شکل‌دهی به رفتارها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداری در نظر می‌گیرد و به نتایج مثبتی در تقویت کارآمدی سیستم‌ها منجر می‌شود.

در مجموع، برداشت‌ها و تجزیه و تحلیل‌های متعدد از مفهوم استحکام خط‌مشی به درک عمیق‌تری از آن کمک کرده و ضروری است که ما به این مفهوم به عنوان ابزاری مؤثر برای تحلیل و طراحی سیاست‌ها در عصر حاضر توجه کنیم. با توجه به چالش‌های پیش‌رو، از جمله تحولات محیطی و اجتماعی، استحکام خط‌مشی می‌تواند منبعی برای ایجاد زمینه‌ای برای نوآوری و تغییرات مثبت در سیاست‌گذاری آینده باشد. لذا، اولویت‌سنجی به استحکام خط‌مشی تضمین‌کننده حفظ سیستم‌های فعلی و پاسخ‌گویی به نیازها و چالش‌های جدید است. به عبارتی دیگر، با تقویت استحکام خط‌مشی، می‌توان به طراحی و اجرای سیاست‌هایی قوی و مؤثر دست‌یافت که قادر به پاسخ به تحولات و بحران‌های جدید بوده و به پایداری اجتماعی و اقتصادی کمک کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به بررسی مفاهیم ثبات، تاب‌آوری و استحکام در خط‌مشی عمومی و به‌ویژه در حوزه خط‌مشی گذاری دفاعی، می‌پردازد و با استفاده از روش مرور مفهومی اجرا شده است. این

1 Ansell

روش به‌ویژه برای تحلیل عمیق و به دست آوردن بینش‌های جدید در زمینه مفاهیم پیچیده و مبهم بسیار مناسب است (مک‌اینس^۱، ۲۰۲۱).

مرور مفهومی با تمرکز بر تحلیل عمیق و مفهومی منابع، به شناسایی ابهامات و شکاف‌های نظری کمک می‌کند و مسیرهای جدیدی برای تحقیق ترسیم می‌نماید (جبارین^۲، ۲۰۰۹؛ شرایبر و کرامر^۳، ۲۰۲۴). بنابراین، در این پژوهش، هدف این است که با ارزیابی دقیق منابع موجود، چارچوبی منسجم و کاربردی برای درک بهتر ویژگی‌های استحکام خط‌مشی عمومی ارائه گردد.

مراحل پیاده‌سازی روش

روش مرور مفهومی شامل مراحل زیر است که در هر یک از این مراحل، درک عمیق‌تر و ساختاریافته‌تری از مفهوم مورد بررسی فراهم می‌شود:

۱- تعیین چارچوب مطالعه: در این مرحله، هدف و ساختار پژوهش مشخص خواهد شد. تعیین چارچوب به شناخت اجمالی مفهوم استحکام خط‌مشی عمومی کمک می‌کند و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا به مهم‌ترین ابهامات بپردازد. در این راستا، واژه‌های مرتبط معرفی و نباید اشتباه گرفته شوند. از این رو، واژه‌های هم‌معنا مانند «دوام»، «ثبات»، «تاب‌آوری» و «پایداری» شناسایی می‌شوند، اما در نظر گرفته می‌شود که این واژه‌ها به تنهایی نمی‌توانند در مشخص کردن استحکام خط‌مشی عمومی کافی باشند.

۲- جستجو برای منابع مرتبط: پس از تعیین چارچوب، منابع مرتبط با مفهوم استحکام مورد جستجو قرار می‌گیرند. در این مرحله، جستجو نه تنها بر دقت و صحت منابع تأکید دارد، بلکه به عمق جستجو نیز توجه می‌کند. هدف این است که روند مفهوم‌پردازی در ادبیات موجود شناسایی و بررسی شود. بنابراین، علاوه بر استفاده از جستجوی الکترونیکی در پایگاه‌های معتبر، برای شناسایی منابع تأثیرگذار در فرایند مفهوم‌پردازی، از تکنیک‌های ردیابی منابع نیز استفاده می‌شود.

۳- غربال و ارزیابی مطالعات: این مرحله، به منزله فیلتر کردن منابع برای ورود به پژوهش است که بر مبنای پرسش‌های تحقیق انجام می‌شود. معیارهای متعدد از جمله ارزش نظری، انسجام هستی‌شناختی، تناسب زمینه‌ای و قابلیت عملیاتی‌سازی برای ارزیابی منابع در نظر گرفته شده است.

1 MacInnis

2 Jabareen

3 Schreiber & Cramer

این رویکرد موجب می‌شود تا منابعی که هدف مشخص پژوهش را پاسخ نمی‌دهند، حذف شوند و در نهایت منابعی که بیشترین ارتباط با استحکام خط‌مشی عمومی دارند، انتخاب شوند.

۴- استخراج و تحلیل مفهومی داده‌ها: در این مرحله، تعاریف، ابعاد و ویژگی‌های مختلف مفهوم استحکام خط‌مشی عمومی استخراج و بررسی می‌شود. داده‌ها به سه سطح تحلیل تقسیم می‌شوند:

- تحلیل درون‌متنی: شامل بررسی هر مقاله به‌طور مستقل به‌وسیله تحلیل معنایی، تحلیل ساختاری و تحلیل زمینه‌ای است. هدف این مرحله شناسایی و بررسی معانی کلیدی و ساختارهای مفهومی استحکام خط‌مشی عمومی در هر مطالعه است.

- تحلیل بین‌متنی: این تحلیل به مقایسه و تطبیق مطالعات مختلف می‌پردازد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های مفهوم استحکام آشکار شود. این مرحله به درک بهتر از تحول مفاهیم و پرورش نظریات جدید کمک می‌کند.

- تحلیل فرامتنی: تمرکز این تحلیل بر کاربردهای عملی و امکان‌پذیری مفهوم استحکام در فضای خط‌مشی‌گذاری است و به بررسی ارتباطات بین مفاهیم و ارزیابی انتقادی آن‌ها می‌پردازد.

۵- ترکیب و تفسیر یافته‌ها: در آخرین مرحله، نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات گردآوری‌شده مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرند. هدف اصلی این مرحله، ادغام و یکپارچه‌سازی داده‌ها و مفاهیم استخراج‌شده برای ایجاد چارچوب مفهومی جامع از استحکام خط‌مشی عمومی است. در اینجا، شکاف‌های پژوهشی موجود شناسایی و گزارش می‌شود و به‌طور کلی به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده می‌شود (کلاسن و ریمل^۱، ۲۰۲۲؛ جبارین، ۲۰۰۹).

این مراحل به‌طور سیستماتیک به پژوهشگر این امکان را می‌دهند تا از طریق یک فرایند منظم و انتقادی، به تحلیل و تبیین عمیق‌تری از مفهوم استحکام خط‌مشی عمومی دست یابند.

پرسش‌های پژوهش

۱- مفهوم دقیق هر یک از ویژگی‌های استحکام، تاب‌آوری و ثبات در حوزه خط‌مشی‌گذاری دفاعی چیست؟

۲- این مفاهیم چه نسبتی با یکدیگر دارند و آیا اساساً باهم قابل جمع هستند؟

1 Clasen & Mascaro

یافته‌های پژوهش

مطالعه تکامل تاریخی مفاهیم ثبات، تاب‌آوری و استحکام در خط‌مشی عمومی نشان می‌دهد که هر یک از این مفاهیم از حوزه‌های متفاوتی وارد ادبیات خط‌مشی‌گذاری شده‌اند. ثبات، به‌عنوان قدیمی‌ترین مفهوم، ریشه در نظریه‌های کلاسیک مدیریت دولتی دارد و از زمان معرفی آن توسط وودرو ویلسون در اواخر قرن نوزدهم، به یکی از اصول بنیادین خط‌مشی‌گذاری تبدیل شده است (پیترز و همکاران، ۲۰۱۸). تاب‌آوری از علوم اکولوژیک نشأت گرفته و پس از معرفی اولیه توسط هولینگ در سال ۱۹۷۳، به تدریج توسط محققانی چون واکر و سالت به حوزه سیاست‌گذاری عمومی راه یافت (والکر و همکاران، ۲۰۱۳). استحکام، به‌عنوان جدیدترین مفهوم، ریشه در علوم مهندسی و طراحی سیستم‌ها دارد و توسط کاپانو و وو (۲۰۱۷) برای تحلیل خط‌مشی‌های عمومی در شرایط عدم قطعیت توسعه یافته است. جدول شماره ۱ به بررسی خواستگاه این مفاهیم به‌عنوان ویژگی‌های خط‌مشی‌های عمومی پرداخته است. هرچند همان‌طور که مشخص است نمی‌توان مرز مشخصی برای ورود این مفاهیم به ادبیات این حوزه تعریف کرد ولی می‌توان تا حدی به روند شکل‌گیری آن پی برد.

جدول ۱ خواستگاه ویژگی‌های خط‌مشی عمومی

ثبات خط‌مشی عمومی	تاب‌آوری خط‌مشی عمومی	استحکام خط‌مشی عمومی
ریشه در نظریات پایه مدیریت دولتی دارد و به‌عنوان ویژگی مطلوب خط‌مشی‌های عمومی، در شرایطی که خط‌مشی‌گذاران با ابهام و پیچیدگی چندانی مواجه نبودند و سیستم‌های اجتماعی ساده‌انگاشته می‌شد، مدنظر بوده است.	با افزایش عدم قطعیت و پویایی محیطی در خط‌مشی‌گذاری، این مفهوم به عنوان یکی از ویژگی‌های مطلوب خط‌مشی‌گذاران، از حوزه اکولوژیک وارد ادبیات این حوزه شد.	ویژگی استحکام (و همه معادل‌هایی که برای واژه Robustness در نظر گرفته می‌شود؛ همواره برای وصف هر خط‌مشی مطلوبی بکار رفته است ولی به‌عنوان یک ویژگی کاملاً مستقل، که به خط‌مشی‌هایی که در شرایط ابهام، عدم قطعیت و پویایی فوق‌العاده امروزه در درازمدت کارکرد خود را حفظ می‌کنند، اخیراً در مطالعات هاوالت و کاپانو وارد ادبیات خط‌مشی‌گذاری شد.

بررسی‌های عمیق نشان می‌دهد که هر یک از این مفاهیم دارای ابعاد متمایزی هستند. ثبات خط‌مشی شامل دو بعد اصلی است: ثبات ساختاری که به حفظ چارچوب‌ها و سازوکارهای موجود اشاره دارد، و ثبات کارکردی که بر تداوم عملکردها و خروجی‌های سیستم تمرکز می‌کند (ویلسون، ۲۰۱۹). تاب‌آوری خط‌مشی در سه سطح عملیاتی (مقابله با اختلالات روزمره)، تاکتیکی (مدیریت بحران‌های میان‌مدت) و استراتژیک (سازگاری با تغییرات بلندمدت) تعریف می‌شود (نایر و هاوالت، ۲۰۱۶). استحکام خط‌مشی نیز دارای سه بعد کلیدی است: چندوجهی بودن، انعطاف‌پذیری و پایداری عملکردی (کاپانو و وو، ۲۰۱۷).

هر یک از این ویژگی‌ها از طریق مکانیسم‌های خاصی عمل می‌کنند. مکانیسم‌های ثبات شامل استانداردسازی فرآیندها، نهادینه‌سازی رویه‌ها و ایجاد چارچوب‌های قانونی پایدار است (مورتسن، ۲۰۰۷). مکانیسم‌های تاب‌آوری بر یادگیری سازمانی، انطباق‌پذیری سیستمی و بازخورد سریع تکیه دارند (برگمن و همکاران، ۲۰۲۲). استحکام نیز از طریق طراحی چندلایه، تنوع ابزارها و انعطاف‌پذیری ساختاری عمل می‌کند (هاوالت و همکاران، ۲۰۱۸). جدول شماره ۲ باهدف تبیین دقیق‌تر مفاهیم ثبات، تاب‌آوری و استحکام خط‌مشی‌های عمومی به جمع‌بندی ابعاد و مکانیسم‌های ایجاد هر یک از این ویژگی‌ها پرداخته است.

جدول ۲. ابعاد و مکانیسم‌های ویژگی‌های ثبات، تاب‌آوری و استحکام در خط‌مشی‌های عمومی

ابعاد و ویژگی	ثبات خط‌مشی عمومی	تاب‌آوری خط‌مشی عمومی	استحکام خط‌مشی عمومی
ابعاد و ویژگی	- بعد ثبات ساختاری خط‌مشی - بعد ثبات کارکردی خط‌مشی	- ابعاد تاب‌آوری ساختاری، کارکردی و تطبیقی خط‌مشی عمومی - ابعاد تاب‌آوری در سطوح عملیاتی، تاکتیکی و استراتژیکی خط‌مشی عمومی	- بعد چندوجهی بودن خط‌مشی‌های عمومی - بعد انعطاف‌پذیری خط‌مشی‌های عمومی - بعد تداوم کارکردی خط‌مشی‌های عمومی
مکانیسم‌های ویژگی	- استانداردسازی فرایندها - نهادینه‌سازی رویه‌ها - نهادسازی پایدار	- یادگیری خط‌مشی عمومی - انطباق‌پذیری سیستمی خط‌مشی - بازخورد سریع - افزونگی و تنوع پاسخ‌ها	- طراحی چندلایه - تنوع ابزارها - طراحی مدولار - تعدد مراکز تصمیم‌گیری - افزونگی منابع و ابزارها

تحلیل روابط بین این سه مفهوم نشان می‌دهد که علی‌رغم برخی همپوشانی‌ها، هر یک کارکرد متمایزی دارند. در رابطه ثبات و تاب‌آوری، هر دو به دنبال حفظ کارکردهای اساسی هستند، اما ثبات بر حفظ وضع موجود و تاب‌آوری بر سازگاری تأکید دارد (دویت و گالاز، ۲۰۰۸). تاب‌آوری و استحکام از جمله مفاهیمی هستند که اغلب به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما در کاربردهای عملی و نظری تفاوت‌های قابل توجهی دارند. تاب‌آوری به توانایی یک سیستم یا خط‌مشی در بازگشت به وضعیت اولیه یا تعادل پس از یک شوک یا بحران اشاره دارد در حالیکه استحکام بدون توجه به فرایند اجرای خط‌مشی، بر تداوم کارکردها تأکید دارد (آدریس و جانسن^۱، ۲۰۱۳). لذا می‌توان گفت هر دو به دنبال حفظ عملکرد در شرایط متغیر هستند، اما تاب‌آوری بر بازگشت به تعادل و استحکام بر حفظ عملکرد تمرکز دارد (بلند، ۲۰۲۰). در خصوص ارتباط مفهوم ثبات و استحکام نیز می‌توان گفت در حالی که هر دو در تلاش برای مقابله با تغییرات اشتراک دارند، اما استحکام از مفهوم ثبات فراتر می‌رود. استحکام به حفظ اثربخشی و کارکرد سیستم حتی در صورت تغییرات شدید اشاره دارد، درحالی‌که ثبات ممکن است به معنای حفظ ساختارهای غیراثربخش باشد (مورتسن، ۲۰۰۷). جدول شماره ۳ به اختصار به نسبت این مفاهیم با یکدیگر از منظر همپوشانی و تضاد (یا واگرایی) آن‌ها می‌پردازد.

جدول ۳. مقایسه نسبت ویژگی‌های ثبات، تاب‌آوری و استحکام خط‌مشی‌های عمومی با یکدیگر

نسبت ویژگی‌های ثبات با تاب‌آوری خط‌مشی‌های عمومی	نسبت ویژگی‌های ثبات با استحکام خط‌مشی‌های عمومی	نسبت ویژگی‌های ثبات با استحکام خط‌مشی‌های عمومی	
هر دو ویژگی برای عوامل بیرونی مؤثر بر اجرای خط‌مشی اهمیت قائل هستند و سازوکار لازم برای مواجهه با آن‌ها را در طراحی پیش‌بینی می‌کنند.	اهمیت کارکردهای طراحی شده برای خط‌مشی در هر دو ویژگی مورد تأکید است.	حفظ فرایند و استمرار نقطه تعادل در هر دو ویژگی اهمیت دارد.	همپوشانی ویژگی‌ها

1 Janssen

جدول ۳. مقایسه نسبت ویژگی‌های ثبات، تاب‌آوری و استحکام خط‌مشی‌های عمومی با یکدیگر

نسبت ویژگی ثبات با تاب‌آوری خط‌مشی‌های عمومی	نسبت ویژگی ثبات با استحکام خط‌مشی‌های عمومی	نسبت ویژگی تاب‌آوری با استحکام خط‌مشی‌های عمومی	
تضاد (یا واگرایی) ویژگی‌ها	ثبات بر حفظ شکل تدوین‌شده خط‌مشی و مقابله با تأثیر هر عامل بیرونی تأکید دارد ولی تاب‌آوری بر سازگاری با عامل بیرونی و سپس بازگشت به نقطه تعادل طراحی‌شده در خط‌مشی عمومی تأکید دارد.	خط‌مشی‌های باثبات با تلاش برای حفظ فرایندهای از قبل طراحی‌شده، سعی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده دارند ولی خط‌مشی‌های مستحکم ضمن آمادگی مواجهه با هر عامل غیرمنتظره بیرونی، ضمن تغییر فرایند اجرای خط‌مشی، صرفاً تمام کارکرد را دنبال می‌کنند.	در حالیکه خط‌مشی‌های تاب‌آوری پس از مواجهه با عوامل غیرمنتظره، به دنبال مدیریت آثار آن و بازگشت به نقطه تعادل قبلی برای تداوم فرایند اجرا هستند، خط‌مشی‌های مستحکم فارغ از اهمیت فرایند اجرای خط‌مشی، بر تداوم حفظ کارکرد در بلندمدت متمرکز هستند و بازگشت به حالت قبلی یا نقطه تعادل احتمالی در آن‌ها موضوعیت ندارد.

شواهد تجربی از کاربرد این مفاهیم در عمل، نمونه‌های موفق و ناموفق متعددی را نشان می‌دهد. سیستم رفاه اجتماعی کشورهای اسکاندیناوی نمونه‌ای از ثبات موفق است که توانسته اصول بنیادین خود را حفظ کرده و در عین حال با شرایط جدید سازگار شود (روتشتاین و لیندوال^۱، ۲۰۲۱). قانون مراقبت مقرون به صرفه در ایالات متحده مثال بارزی از تاب‌آوری خط‌مشی است که علی‌رغم مخالفت‌های سیاسی گسترده، به دلیل طراحی انعطاف‌پذیر و چندلایه خود توانست دوام بیاورد (بلند، ۲۰۲۰). همچنین، سیاست‌های مدیریت بحران در کشورهای آسیای شرقی در مواجهه با همه‌گیری کووید ۱۹ نمونه‌ای از استحکام موفق است که توانست عملکرد سیستم سلامت را در شرایط بحرانی حفظ کند (لای، ۲۰۱۸).

در مقابل، موارد شکست نیز درس‌های ارزشمندی را آشکار می‌سازند. نظام‌های آموزشی سنتی که به دلیل ثبات بیش‌ازحد نتوانستند با نیازهای جدید آموزشی سازگار شوند، نمونه‌ای از

1 Lindvall & Rothstein

چالش‌های ثبات بیش‌ازحد هستند (تامپسون و جونز، ۲۰۲۲). بحران مالی ۲۰۰۸ نشان داد که گاهی بازگشت به وضعیت قبلی (تاب‌آوری صرف) کافی نیست و نیاز به تغییرات اساسی وجود دارد (دویت و همکاران ۲۰۱۰). همچنین، سیاست‌های تغییرات اقلیمی، علی‌رغم طراحی مستحکم، به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه شدند (کاستریخون-کامپوس و دیگران، ۲۰۲۰).

تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که چالش‌های همزیستی این سه ویژگی شامل تنش بین ثبات و انعطاف‌پذیری، تعارض بین حفظ وضع موجود و نیاز به تغییر، و چالش تعادل بین پایداری و نوآوری است (ورکمن و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، فرصت‌های هم‌افزایی نیز وجود دارد، از جمله امکان ترکیب ثبات در اهداف با انعطاف در روش‌ها، تقویت متقابل تاب‌آوری و استحکام در مواجهه با بحران‌ها، و دستیابی به “ثبات پویا” (اشمیت و سورین، ۲۰۲۳).

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت خط‌مشی‌های عمومی در دنیای پیچیده امروز نیازمند ترکیبی هوشمندانه از هر سه ویژگی است: ثبات کافی برای ایجاد اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری، تاب‌آوری لازم برای مقابله با شوک‌ها و بحران‌ها، و استحکام ضروری برای حفظ عملکرد در شرایط عدم قطعیت (رامش ۱ و هاوالت، ۲۰۲۳). این ترکیب باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ انسجام خط‌مشی، انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخ به چالش‌های جدید را نیز فراهم کند. شواهد نشان می‌دهد که موفقیت در دستیابی به این تعادل، نیازمند درک عمیق زمینه و شرایط خاص هر خط‌مشی است (میگون و همکاران، ۲۰۲۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

محیط خط‌مشی‌گذاری دفاعی در عصر حاضر با سه ویژگی بنیادین مشخص می‌شود؛ پیچیدگی فزاینده که از تعاملات چندگانه و غیرخطی میان عوامل مختلف نشأت می‌گیرد، پویایی شدید که به تغییرات مداوم و گاه غیرقابل پیش‌بینی در محیط اشاره دارد، و عدم قطعیت عمیق که امکان پیش‌بینی پیامدهای خط‌مشی‌ها را به شدت محدود می‌کند (ورکمن و همکاران، ۲۰۲۴). این شرایط، همان‌طور که دویت و گالاز (۲۰۰۸) اشاره می‌کنند، نیازمند بازاندیشی اساسی در مفاهیم و

رویکردهای سنتی خط‌مشی‌گذاری است.

مطالعات پیشین در این حوزه را می‌توان در سه جریان اصلی دسته‌بندی کرد. جریان اول که توسط محققانی چون مورتسن (۲۰۰۷) و پیترز و همکاران (۲۰۱۸) نمایندگی می‌شود، بر اهمیت ثبات در خط‌مشی‌گذاری تأکید دارد. جریان دوم با محوریت مطالعات واکر و همکاران (۲۰۱۳) و بیلند و همکاران (۲۰۲۰)، تاب‌آوری را به‌عنوان پاسخی به چالش‌های معاصر مطرح می‌کند. جریان سوم که توسط کاپانو و وو (۲۰۱۷) و هاوالت و همکاران (۲۰۱۸) پیشگامی می‌شود، بر استحکام به‌عنوان ویژگی کلیدی خط‌مشی‌های معاصر تمرکز دارد.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات اخیر میگون و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که نشان می‌دهند در شرایط پیچیده کنونی، رویکردهای سنتی مبتنی بر ثبات نمی‌توانند اثربخشی درازمدت خط‌مشی‌ها را تضمین کنند. همچنین، این یافته‌ها با تحلیل کاستریخون-کامپوس و همکاران (۲۰۲۰) در مورد محدودیت‌های تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌های محیط زیستی مطابقت دارد. در حوزه مدیریت بحران‌های مالی، تحقیقات لیندوال و روتستین (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که موفقیت کشورهای اسکاندیناوی در حفظ نظام رفاهی خود، بیش از آنکه ناشی از ثبات یا تاب‌آوری باشد، مدیون طراحی مستحکم این نظام‌ها بوده است. این یافته با نتایج پژوهش حاضر در مورد برتری استحکام نسبت به سایر ویژگی‌ها در شرایط پیچیده همخوانی دارد.

سورنسن و آنسل (۲۰۲۱) در مطالعه خود درباره استحکام سیاسی، چارچوبی را ارائه می‌دهند که با یافته‌های این پژوهش در مورد مکانیسم‌های ایجاد استحکام همپوشانی دارد. آن‌ها نیز بر اهمیت طراحی چندلایه و تنوع ابزارها تأکید می‌کنند. همچنین، اشمیت و سورین (۲۰۲۳) در بررسی سیاست‌های انرژی پایدار، به نتایج مشابهی در مورد برتری رویکردهای مبتنی بر استحکام دست یافته‌اند.

تامپسون و جونز (۲۰۲۲) در مطالعه نظام‌های آموزشی نشان داده‌اند که چگونه تأکید بیش‌ازحد بر ثبات می‌تواند به ناکارآمدی سیستم منجر شود. این یافته با نتایج پژوهش حاضر در مورد محدودیت‌های رویکرد ثبات‌محور مطابقت دارد. از سوی دیگر، برگمن و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی مکانیسم‌های تاب‌آوری، به محدودیت‌های این رویکرد در مواجهه با تغییرات بنیادین اشاره می‌کنند.

در حوزه سیاست‌های محیط زیستی، مطالعات اخیر آنسل و همکاران (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که موفقیت در مواجهه با چالش‌های تغییرات اقلیمی، نیازمند رویکردی مبتنی بر استحکام است. این یافته با نتایج پژوهش حاضر در مورد اهمیت مکانیسم‌های استحکام‌بخش در حوزه‌های با پیچیدگی بالا همخوانی دارد.

کارستنسن و اشمیدز (۲۰۲۴) در مطالعه خود درباره نقش ایده‌ها در خط‌مشی‌گذاری، چارچوبی را ارائه می‌دهند که می‌تواند مکمل یافته‌های این پژوهش در زمینه طراحی خط‌مشی‌های مستحکم باشد. آن‌ها بر اهمیت انعطاف‌پذیری ایده‌ای در کنار حفظ اصول بنیادین تأکید می‌کنند. کلیفت (۲۰۲۴) در تحلیل خود از بحران‌های مالی جهانی، استدلال می‌کند که شکست بسیاری از سیاست‌های مالی در مواجهه با بحران‌ها، ناشی از تمرکز بیش‌ازحد بر تاب‌آوری و غفلت از استحکام بوده است. این یافته با نتایج پژوهش حاضر در مورد محدودیت‌های رویکرد تاب‌آوری محض همسو است. همچنین، بیلند و کاکس (۲۰۲۴) در مطالعه اخیر خود نشان می‌دهند که موفقیت خط‌مشی‌های اجتماعی در شرایط بحرانی، بیشتر به استحکام طراحی آن‌ها وابسته است تا توان بازگشت به شرایط قبلی.

در حوزه مدیریت بحران، لای (۲۰۱۸) با بررسی واکنش کشورهای آسیای شرقی به همه‌گیری کووید-۱۹، نشان می‌دهد که موفقیت این کشورها بیشتر مدیون طراحی مستحکم سیستم‌های سلامت عمومی بوده است تا صرفاً تاب‌آوری یا ثبات آن‌ها. این یافته تأییدی بر نتایج پژوهش حاضر در مورد اهمیت استحکام در شرایط بحرانی است.

هاولت و رامش (۲۰۲۳) در بررسی چالش‌های پسا‌کرونا، به این نتیجه رسیده‌اند که پیچیدگی و عدم قطعیت فزاینده در محیط خط‌مشی‌گذاری، نیازمند رویکردی است که بتواند ضمن حفظ کارکردهای اساسی، انعطاف‌پذیری لازم را نیز داشته باشد. این دقیقاً همان چیزی است که در پژوهش حاضر تحت عنوان استحکام خط‌مشی مورد بحث قرار گرفته است.

بر اساس این تطبیق گسترده با ادبیات موجود، می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط کنونی که با پیچیدگی، پویایی و عدم قطعیت عمیق مشخص می‌شود، توجه به مکانیسم‌های ایجاد استحکام در طراحی خط‌مشی باید در اولویت خط‌مشی‌گذاران قرار گیرد. این نتیجه‌گیری به چند دلیل اهمیت دارد:

- برخلاف ثبات که می‌تواند مانع انطباق با شرایط متغیر شود، استحکام امکان حفظ کارکردهای اساسی را در عین انعطاف‌پذیری فراهم می‌کند.
- در مقایسه با تاب‌آوری که بر بازگشت به وضعیت قبلی تمرکز دارد، استحکام بر تداوم کارکرد در شرایط متغیر تأکید می‌کند.
- مکانیسم‌های استحکام‌بخش مانند طراحی چندلایه و تنوع ابزارها، امکان مواجهه مؤثر با عدم قطعیت‌های عمیق را فراهم می‌کنند.
- بر این اساس، پیشنهاد‌های زیر برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود:
- توسعه مدل‌های کمی برای سنجش میزان استحکام خط‌مشی‌ها،
- مطالعات موردی عمیق در مورد خط‌مشی‌های موفق مبتنی بر استحکام،
- بررسی تطبیقی مکانیسم‌های استحکام‌بخش در زمینه‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری،
- توسعه چارچوب‌های عملیاتی برای طراحی خط‌مشی‌های مستحکم.

فهرست منابع

- اکبرنژاد، ابوالقاسم؛ و چشک، کریم. (۲۰۲۰). «اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۱۸، ش ۸۰: ۱۸۹-۲۰۶.
- زهدی نسب، یعقوب؛ کمالی، محمدرضا؛ ریاضی، وحید؛ و صادقی، سعید. (۲۰۲۲). «طراحی الگوی ارزیابی تحقق سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۲۰، ش ۸۹: ۹۴-۷۳.
- شهرآیینی، اسماعیل؛ و باجلانی، صفر. (۲۰۲۳). «ویژگی‌های سیاست‌گذاری مطلوب دفاعی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۲۱، ش ۹۳: ۱۹۱-۲۱۲.
- قانع، رشید؛ و دانایی‌فرد، حسن. (۲۰۲۰). «واکاوی دلایل موفقیت خط‌مشی‌های دفاعی و هسته‌ای در ایران». مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۱۸، ش ۸۲: ۱۱۹-۱۳۶.
- Alexander, D. E. (2013). Resilience and disaster risk reduction: an etymological journey. *Natural Hazards and Earth System Sciences*, 13(11), 2707-2716.
- Anderies, J. M., Folke, C., Walker, B., & Ostrom, E. (2013). Aligning key concepts for global change policy: Robustness, resilience, and sustainability. *Ecology and Society*, 18(2), 8-21.
- Ansell, C., Sørensen, E., & Torfing, J. (2023). Adaptive Governance in Crisis Management. *Public Administration Review*, 83(1), 23-36.
- Banks, S. (2016). Robustness, Resilience, and Vulnerability in Complex Social-Ecological Systems. *Ecological Economics*, 130, 34-41.
- Baumgartner, F. R., & Jones, B. D. (2020). *The Politics of Information: Problem Definition and the Course of Public Policy in America*. University of Chicago Press.
- Béland, D., & Cox, R. H. (2024). The Robustness of Policy Ideas: A New Framework for Analysis. *Policy Studies Journal*, 52(1), 1-22.
- Béland, D.; Howlett, M.; Rocco, P.; & Waddan, A. (2020). Designing policy resilience: lessons from the Affordable Care Act. *Policy Sciences*, 53, 269-289. <https://doi.org/10.1007/s11077-019-09368-w>.
- Bothner, M. S., Smith, E. B., & White, H. C. (2010). A model of robust positions in social networks. *American Journal of Sociology*, 116(3), 943-992.
- Bryant, Corban; Sakamoto, Philemon; Armacost, Andrew; Kolitz, Stephan; Barnhart, Cynthia; & Abramson, Mark. (2011). Robust Mission Planning. *Military Operations Research*, 5-24.
- Capano, G., & Woo, J. J. (2017). Resilience and robustness in policy design: A critical appraisal. *Policy Sciences*, 50(3), 399-426.
- Carstensen, Martin B; & Schmidt, Vivien A. (2024). Ideational robustness of economic ideas in action: the case of European Union economic governance through a decade of crisis. *Policy and Society*, 43(2), 173-188. <https://doi.org/10.1093/polsoc/puae011>
- Castrejon-Campos, O., Aye, L., & Hui, F. K. P. (2020). Making policy mixes more robust: An integrative and interdisciplinary approach for clean energy transitions. *Energy Research & Social Science*, 64, 101425.
- Clift, Ben. (2024). How “baked in” ideas hinder ideational robustness: the International Monetary Fund and “fiscal space.” *Policy and Society*, 43(2), 159-172. <https://doi.org/10.1093/polsoc/puae021>.
- Cote, M., & Nightingale, A. J. (2012). Resilience thinking meets social theory: Situating social change in socio-ecological systems (SES) research. *Progress in Human Geography*, 36(4), 475-489.

- Davidson, D. J. (2010). The applicability of the concept of resilience to social systems: Some sources of optimism and nagging doubts. *Society and Natural Resources*, 23(12), 1135-1149.
- Davoudi, S., Shaw, K., Haider, L. J., Quinlan, A. E., Peterson, G. D., Wilkinson, C., ... & Porter, L. (2012). Resilience: A bridging concept or a dead end? *Planning Theory & Practice*, 13(2), 299-333.
- Dewulf, A., & Biesbroek, R. (2018). Nine lives of uncertainty in decision-making: Strategies for dealing with uncertainty in environmental governance. *Policy and Society*, 37(4), 441-458.
- Duit, A., & Galaz, V. (2008). Governance and complexity—emerging issues for governance theory. *Governance*, 21(3), 311-335.
- Duit, A., Galaz, V., Eckerberg, K., & Ebbesson, J. (2010). Governance, complexity, and resilience. *Global Environmental Change*, 20(3), 363-368.
- Farrell, Theo; & Terriff, Terry. (2002). *The sources of military change: Culture, politics, technology*. Lynne Rienner Publishers.
- Feindt, P. H., Proestou, M., & Daedlow, K. (2020). Resilience and policy design in the emerging bioeconomy. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 22(5), 636-652.
- Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual Review of Ecology and Systematics*, 4, 1-23.
- Howlett, M. (2019). Procedural Policy Tools and the Temporal Dimensions of Policy Design: Resilience, Robustness and the Sequencing of Policy Mixes. *International Review of Public Policy*, 1, 27-45.
- Howlett, M., & Cashore, B. (2009). The dependent variable problem in the study of policy change: Understanding policy change as a methodological problem. *Journal of Comparative Policy Analysis*, 11(1), 33-46.
- Howlett, Alexander; Migone, Andrea Riccardo; & Howlett, Michael. (2023). The politics of military procurement: the F-35 purchasing process in Canada and Australia Compared. *Defence Studies*, 23(2), 292-312. <https://doi.org/10.1080/14702436.2022.2137494>
- Jabareen, Y. (2009). Building a Conceptual Framework: Philosophy, Definitions, and Procedure. *International Journal of Qualitative Methods*, 8(4), 49-62.
- Jordan, A., & Matt, E. (2014). Designing policies that intentionally stick: Policy feedback in a changing climate. *Policy Sciences*, 47(3), 227-247.
- Knaggård, Å., & Triantafyllou, P. (2024). The ideational robustness of liberal democracy in the wake of the pandemic: Comparing the Danish and Swedish cases. *Policy and Society*, 43(2), 225-239.
- Kwakkel, J. H.; Eker, S.; & Pruyt, E. (2016). How Robust is a Robust Policy? Comparing Alternative Robustness Metrics for Robust Decision-Making. In M. Doumpos, C. Zopounidis, & E. Grigoroudis (Eds.), (M. Doumpos, C. Zopounidis, & E. Grigoroudis, Eds.), *Robustness Analysis in Decision Aiding, Optimization, and Analytics* (Vol. 241, pp. 221-237). Cham: Springer International Publishing Ag.
- Lai, A. Y. H. (2018). Agility amid uncertainties: Evidence from 2009 A/H1N1 pandemics in Singapore and Taiwan. *Policy and Society*, 37(4), 459-472.
- Lempert, Robert J.; Warren, Drake; Henry, Ryan; Button, Robert W.; Klenk, Jonathan; & Giglio, Kate. (2016). *Defense resource planning under uncertainty: An application of robust decision making to munitions mix planning*. Rand Corporation.
- MacInnis, Deborah. (2021). Developing conceptual articles for JCR. *Journal of Consumer Research*, 48(4), 613-629.
- MacKinnon, D., & Derickson, K. D. (2013). From resilience to resourcefulness: A critique of resilience policy and activism. *Progress in Human Geography*, 37(2), 253-270.

- March, J. G., & Olsen, J. P. (2020). *Rediscovering Institutions: The Organizational Basis of Politics*. Simon and Schuster.
- May, P. J., & Jochim, A. E. (2013). Policy regime perspectives: Policies, politics, and governing. *Policy Studies Journal*, 41(3), 426-452.
- Migone, A., Howlett, M., & Howlett, A. (2024). Paradigmatic stability, ideational robustness, and policy persistence: Exploring the impact of policy ideas on policy-making. *Policy and Society*, 43(1), 1-15.
- Mortensen, P. B. (2007). Stability and change in public policy: A longitudinal study of comparative subsystem dynamics. *Policy Studies Journal*, 35(3), 373-394.
- Mubarik, M. S., Kashif, M., Shabbir, M., & Jalil, Q. (2024). Sustainable management in natural resources and carbon neutrality: Revisiting the nexus in Ukraine-Russia war context. *Resources Policy*, 97.
- Mukherjee, I., Coban, M. K., & Bali, A. S. (2021). Policy capacities and effective policy design: A review. *Policy Sciences*, 54(2), 243-268.
- Nair, S., & Howlett, M. (2016). From robustness to resilience: Avoiding policy traps in the long term. *Sustainability Science*, 11(6), 909-917.
- Neill, Martin; Taliaferro, Aaron C.; Tillman, Mark E.; Morgan, Gary D.; & Hinkle, Wade P. (2017). *Defense Policy and Strategy* (pp. 1-22). Institute for Defense Analyses. Retrieved from JSTOR.
- Peters, B. G., Capano, G., Howlett, M., Mukherjee, I., Chou, M. H., & Ravinet, P. (2018). *Designing for policy effectiveness: Defining and understanding a concept*. Cambridge University Press.
- Sewerin, S., Fesenfeld, L. P., & Schmidt, T. S. (2023). The role of policy design in policy continuation and ratcheting-up of policy ambition. *Policy and Society*, 42(4), 478-492.
- Stolberg, Alan G. (2012). *MAKING NATIONAL SECURITY POLICY IN THE 21ST CENTURY* (pp. 41-62). Strategic Studies Institute, US Army War College. Retrieved from JSTOR.
- Sørensen, E., & Ansell, C. (2021). Towards a concept of political robustness. *Political Studies*, 69(2), 384-403.
- Sørensen, E., & Torfing, J. (2024). The ideational robustness of bureaucracy. *Policy and Society*, 43(2), 141-158.
- Tagarev, Todor. (2006). The Art of Shaping Defense Policy. *Connections*, 5(1), 15-34. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/26323227>
- Van der Steen, M.; & van Twist, M. (2018). Strategies for robustness: Five perspectives on how policy design is done. *Policy and Society*, 37, 491-513. <https://doi.org/10.1080/14494035.2018.1520782>
- Walker, B., Carpenter, S. R., Folke, C., Gunderson, L., Peterson, G. D., Scheffer, M., ... & Westley, F. R. (2013). Resilience, adaptability and transformability in social-ecological systems. *Ecology and Society*, 18(4), 5.
- Wee, Bert Van; & Banister, David. (2016). How to Write a Literature Review Paper? *Transport Reviews*, 36(2), 278-288.
- Wilson, C. A. (2019). Policy regime perspectives: Policies, politics, and governing. *Policy Studies Journal*, 47(4), 883-905.
- Workman, M., Darch, G., Denisart, B., Roberts, D., Wilkes, M., Brown, S., & Kruitwagen, L. (2024). A robust decision-making approach in climate policy design for possible net zero futures. *Environmental Science & Policy*, 162, 1-6.

